



کرده‌اید، انتخاب می‌کنید؟

من همین مسیر را طی می‌کنم اما سعی می‌کنم اشتباهاتم را کم‌تر کنم.

در سینما و تلویزیون زوج‌های زیادی داریم مانند هومن برق‌نورد و بهنام تشکر یا محمدرضا گلزار و مهناز افشار... شما هم در مقطعی افسانه‌بایگان همکاری ثابت‌تان بود و در اوج موفقیت بودید اما چرا این همکاری تداوم نداشت؟ نمی‌خواهم نام ببرم اما یکی از مسئولان به من گفت که کم‌تر با یکدیگر بازی کنید چون شایعات خیلی زیاد می‌شود. البته نوع فیلم‌ها هم عوض شد یعنی یک زمانی حدود یک سال و نیم ما با یکدیگر در سه فیلم بازی کردیم و هر سه خانوادگی بود ولی بعد سینمای ایران به سمت تولید آثار اکشن هم چون سگ کشی و جنگ نفت کش‌ها و کشتی آنجلیکارت رفت. سوژه فیلم‌ها تغییر کرد و من مسیرم عوض شد. نوع فیلم‌هایی که خانم بایگان بازی می‌کرد هم عوض شد. یعنی نوع سینما عوض شد و همکاری ما تداوم نداشت.

شما در اوج جوانی سیمیرغ بلورین بهترین بازیگر نقش مکمل مرد را برای بازی در فیلم «مسافران» دریافت کردید؛ اکنون که حال و هوای جشنواره‌هاست بفرمایید که این جایزه تأثیری در روند کاری‌تان گذاشت؟

دریافت این سیمیرغ شور و شوق خود را داشت ولی من اصلاً آن جایزه را امضای نیستیم. چون به عنوان نقش مکمل مرد به من اهدا کردند. نمی‌دانم نقش اول کار کیست که نقش مکمل را به من دادند. آن موقع نگفتند که قرار است به من سیمیرغ مکمل را بدهند گفتند کاندیدا شده‌ام.

وقتی نامم را خواندند در برابر عمل انجام شده قرار گرفتم حتی دلم به‌ها که بالا می‌رفتم به آقایی گفتم که می‌خواهم جایزه را تقدیم به فرد دیگری کنم و او من را منصرف کرد. آن موقع جایزه را از دست آقای خاتمی گرفتم. نمی‌خواهم بگویم تحمیل شد اما در مقابل عمل انجام شده قرار گرفتم و جایزه را گرفتم و اکنون هم ناراضی هستم.

گوپی بهرام بیضایی شما را دوست دارد که در چند فیلم سینمایی‌اش هم چون «غریبه و مه»، «مسافران»، «سگ کشی» و «وقتی همه خوابیم» بازی کردید؟

بله همین‌طور است. من بیضایی را خیلی دوست دارم. نوع برخوردش سرکار و رفتار شخصی‌اش را می‌پسندم. بهرام بیضایی نمونه سینماست اکنون غیبت او در ایران محسوس است و آرزویم این است که هر چه زودتر به ایران بازگردد و حتی شده یک سکانس در فیلم‌هایش بار دیگر بازی کنم.

سی و سوسومین جشنواره فیلم، جشنواره جوانی بود و پیشکسوتان حضور کم‌رنگی داشتند. دلیل این که آن‌ها در سینما نیستند چیست؟

این که به پیشکسوتان نامهربانی شد بحثی نیست ولی تا چه زمانی بیضایی هر ۸ سال یک بار فیلم بسازد؟ تا کی باید تقوایی چندین سال طول بکشد تا فیلم بسازد؟ تا چه زمانی فیلم‌های پیشکسوتان دچار ممیزی شود؟ معتقدم این رویکرد اشتباه است و باید پیشکسوتان باشند؛ چون ریشه‌ها باید باشند تا تنه رشد پیدا کند؛ تا شاخه و برگ با طراوت بدهد. سینمای ایران به این ریشه‌ها احتیاج دارد.

تنها یک فیلم سینمایی «قلب‌های ناآرام» را کارگردانی کردید. چرا ادامه ندادید؟

دوست ندارم درباره این فیلم حرف بزنم. این را بگویم از سینما دور شدم البته در تلویزیون کارگردانی کرده و می‌کنم اما امسال مصر هستم که با یکی دو کار خوب در جشنواره فیلم فجر سال آینده شرکت کنم.

شما به دلیل علاقه‌تان به اقامام رضا (ع) کانون فیلم سازی «آستان هشت» راه‌اندازی کردید. اکنون هم در این دفتر تولید فیلم دارید؟

این دفتر را افتتاح کردم اما تلویزیون نامهربانی کرد و سبب شد که دفتر مرا جمع کردم.

چرا؟ بود چه نداد؟ فیلم نامه خوب برای کار نداشتید...

قرار داد آثاری که برای تلویزیون تولید می‌کردم موجود است. اما تلویزیون به تعهداتش عمل نکرد و پولم را نداد. من از موسسه مالی اعتباری میزان ۵۰ میلیون تومان برای فیلمی درباره امام رضا (ع) وام دریافت کردم تا فیلم را به سرانجام برسانم؛ مدیر شبکه دو به من گفت که ۲ ماهه پول را به من برمی‌گرداند اما اکنون ۳ سال است که پول را برنگردانده است و میزان هم پولش را می‌خواهد.

از تلویزیون شکایت کرده‌اید؟

مگر می‌شود از خانه خود شکایت کرد؟! من رویم نمی‌شود از آن‌ها شکایت کنم.

شما داور نخستین مسابقه بازیگری با عنوان «ستاره بیست» بودید. این مسابقه چه سرانجامی پیدا کرد؟

من بودم اما همکاری خود را ادامه ندادم.

علت کناره‌گیری‌تان چه بود؟ می‌توانستید استعدادها را خوبی‌ها را کشف کنید.

من اشتباه کردم که در این مسابقه حضور داشتم. معتقدم یک بازیگر نمی‌تواند مدرس باشد، این که بخواهم بازیگری را داوری کنم یا درس بدهم اشتباه است. مدام خودم را مقایسه می‌کنم و مثال می‌زنم و از خودم می‌گویم. یک مدرس بازیگری مانند حمید سمندریان یا دوستان دیگر باید داوری این مسابقه را بر عهده بگیرند و قضاوت کنند که ببینند آن جوانان بازیگر می‌شوند و استعداد دارند یا خیر.

به نظر شما از آن کلاس‌ها بازیگری هم ممکن است بیرون بیاید؟

خیر ندارم.

مجید مظفری بیش از ۴ دهه است در این حرفه فعالیت می‌کند و همه‌ژانری را تجربه کرده است. دوست دارید چه نقش‌هایی را بازی کنید که با آن نقش کلنجار بروید؟ اگر حمل بر خود ستایی نشود باید بگویم که هیچ کدام از نقش‌هایم شبیه به دیگری نیست. برای من منفی و مثبت بودن نقش مهم نیست اما دوست دارم آن نقشی که علاقه دارم به من پیشنهاد شود.

اهل حضور در فضای مجازی و شبکه‌های اجتماعی هستید؟

خیر. البته دخترم صفحه‌ای در اینستاگرام به نام من باز کرده که خودش در آن عکس می‌گذارد.

اسم خودتان را در گوگل سرچ کرده‌اید که ببینید چه قدر درباره شما صحبت و اظهار نظر شده است؟

خیر به هیچ عنوان. همین که مردم فیس توفیس با من رو به روی می‌شوند برایم خیلی مهم‌تر از این است که بروم نظر‌ها را درباره‌ام در اینترنت بخوانم. من خودم را وار داین فضا نمی‌کنم.

در مقطعی به سر می‌بریم که به خیلی از پیشکسوتان سینما و تلویزیون نامهربانی شده و بعد از مرگشان برای آن‌ها مراسم بزرگداشت و یادبود گرفته‌اند. این نامهربانی‌ها از کجا نشأت گرفته؟

این که ما مرده پرست هستیم در آن شکی نیست ولی این نامهربانی‌ها همیشه هست. سندیکای بی‌سوادان در ایران خیلی ارزشش بیشتر از ما هنرمندان است.

شما باز نشست‌ه اداره تئاتر هستید. به طور حتم دغدغه مالی ندارید. درست است؟

بله. اما ۶۰۰-۷۰۰ هزار تومان که حقوق نیست!

شغل دوم پس دارید؟ خیر

پس چگونه گذران زندگی می‌کنید؟

گاهی اوقات که در تلویزیون کار می‌کنم برای گذران زندگی ام کافی است. اما باید یک کار و کاسبی راه بیندازم.

دوست ندارید مکانیکی را که قبل از بازیگری انجام می‌دادید ادامه دهید؟

خیر اکنون برای انجام این کار خیلی دیر است. چون با آن فناوری که ما کار می‌کردیم زمین تا آسمان فرق دارد.

یعنی اگر مجید مظفری آن مقطع مکانیکی را ادامه می‌داد موفق بود یا در حرفه بازیگری موفق‌تر هستید؟

اگر ادامه می‌دادم اکنون گاراژ دار بودم. اما نمی‌دانم. اگر تمام این نیرو و وقتی که من در کار هنر گذاشتم برای هر حرفه دیگری می‌گذاشتم اکنون چهار تا کارخانه قند داشتم.

طولانی‌ترین روز زندگی‌تان کی بود؟

تولد فرزندم چون خیلی انتظار کشیدم.

فوت همسر تان چه قدر آزار دهنده بود؟

خیلی زیاد. نمی‌خواهم درباره اش صحبت کنم.

در بهار چه حسی به شما دست می‌دهد؟

بهار همه چیز را زنده می‌کند، طبیعت، آدم‌ها و همه چیز نومی‌شود. طبیعت انسان‌ها را وادار می‌کند تا اندکی همان گونه که لباس‌شان نومی‌شود، درون‌شان هم نومی‌شود. فقط از مردم خوب ایران یک خواهشی دارم. ایام عید آن‌ها به دل طبیعت می‌روند به نظرم ما نیستیم که به طبیعت می‌رویم بلکه طبیعت است که ما را دعوت کرده به خانه خودش. این لباس‌نو، هوای خوب، گل‌های باطراوت، چمن‌ها و کوه و دشت و همه این‌ها ما انسان‌ها را به خانه خود دعوت می‌کنند. مانند این می‌ماند که یک خانواده هر چیز قشنگ و نو دارد برای یک عده مهمان تدارک می‌بیند و ما نباید برویم بریزیم و بیاشیم و خراب کنیم و همه چیز را از بین ببریم و بیرون بیاییم. بیاییم طبیعت را داغون نکنیم و از بین ببریم. هوای تهران و شهرهای بزرگ آدم‌ها را دراز بین می‌برد. خیلی‌ها سرطان گرفته‌اند و از بین می‌روند؛ کاری نکنیم که طبیعت از بین برود. ان شاء... سال‌های متوالی والدین دور سفره هفت‌سین جمع شوند و عید و دیدارشان راتازه کنند.



بهرام بیضایی نمونه سینماست اکنون غیبت او در ایران محسوس است و آرزویم این است که هر چه زودتر به ایران بازگردد و حتی شده یک سکانس در فیلم‌هایش بار دیگر بازی کنم

